



The Solutions for Achieving Economic Justice in Civil Rights from the Perspective of the Quran*

Hossein Alavi Mehr^۱

Abstract

Civil rights are among the new-emerging and specific rights of contemporary times. So they require their own mechanisms. Economic justice is the main content of civil rights and the basis for limiting the power of sovereignty. Authoritarian governments prioritize the establishment of order, while democratic governments prioritize economic justice. According to the Holy Quran, citizens have rights in economic affairs that the government is obliged to respect. These rights are very diverse; one of the duties of governments is to support production and to provide opportunities for production. Citizens have rights in the field of production, which provide solutions for their economic justice. Some solutions are common, such as public cooperation, fair legislation, and a fair executive system; and some solutions are specific; one of the most important specific solutions is work and employment, meritocracy, prevention of monopoly in production, correction of prices and wages and prevention of illicit income. This article seeks to examine the solutions of civil rights of production in the Quran.

Keywords: Quran, Economics, Civil Rights, Economic Justice, Production, Solutions.

*. Date of receiving: ۱۲, June, ۲۰۲۱, Date of approval: ۱۱, October, ۲۰۲۱.

۱. Associate Professor at Al-Mustafa International University (halavimehr@gmail.com)





راهکارهای تحقق عدالت اقتصادی حقوق شهروندی در تولید از

دیدگاه قرآن*

حسین علوی مهر^۱

چکیده

حقوق شهروندی از جمله حقوق نوظهور و مختص روزگار معاصر است، در نتیجه سازوکارهای خاص خود را می‌طلبد. عدالت اقتصادی، محتوای اصلی حقوق شهروندی و زمینه‌ساز تحدید قدرت حاکمیت است. حکومت‌های اقتدارگرا، اولویت را به برقراری نظم می‌دهند، در حالی که حکومت‌های دموکراتیک، اولویت را به عدالت اقتصادی تخصیص می‌دهند. از دیدگاه قرآن کریم، شهروندان در امور اقتصادی حقوقی دارند که دولت موظف به رعایت آن حقوق است. این حقوق بسیار متنوع‌اند؛ یکی از وظایف دولت‌ها حمایت از تولید و فراهم آوردن زمینه‌های تولید است. شهروندان در حوزه تولید حقوقی دارند که برای تحقق عدالت اقتصادی آنان راهکارهایی ارائه می‌شود. برخی از راهکارها عام است، مانند تعاون عمومی، قانون‌گذاری عادلانه و نظام اجرایی عادلانه؛ و برخی از راهکارها خاص هستند، از مهمترین راهکارهای خاص: کار و اشتغال، شایسته‌سالاری، پیشگیری از انحصار در تولید، تصحیح قیمت و دستمزدها و پیشگیری از درآمدهای نامشروع است. این مقاله درصدد است تا راهکارهای حقوق شهروندی تولید در قرآن را مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: قرآن، اقتصاد، حقوق شهروندی، عدالت اقتصادی، تولید، راهکارها.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۲ و تاریخ تایید: ۱۴۰۰/۰۷/۱۹.

۱ - دانشیار و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه halavimehr@gmail.com

مقدمه

حقوق شهروندی از طبیعی‌ترین حقوق انسان است و آن مجموعه‌ای از ارزش‌ها و قوانینی است که برای حفظ شأن و کرامت شهروندان در یک دولت به کار می‌رود، دولت‌های حاکم موظف به حفظ و صیانت این حقوق می‌باشند، این حقوق گاهی سیاسی، گاه اجتماعی و گاهی اقتصادی است، رعایت حقوق شهروندی در حوزه اقتصاد به نوعی رعایت عدالت اقتصادی است.

در قرآن کریم برای تحقق عدالت اقتصادی حقوق شهروندی راهکارهایی ارائه شده است، هر یک از آن‌ها می‌تواند در جهت فراگیر شدن عدالت اقتصادی در میان شهروندان مؤثر واقع شود و یک جامعه و دولت را از بی‌عدالتی نجات بخشیده و خیر و سعادت دنیوی و اخروی و مادی و معنوی برای شهروندان به ارمغان بیاورد.

برای تحقق عدالت در حقوق شهروندی باید مسئولان یک نظام و سیستم حکومت از جهان‌بینی توحیدی برخوردار باشند که اعتقاد به مبدأ و معاد در رأس آن قرار دارد، پس از آن رفتارهای اقتصادی شکل می‌گیرد و شهروندان می‌توانند به حقوق خود دست یابند.

در صورت تحقق اقتصاد در یک جهان‌بینی غیرتوحیدی مانند مکاتب سوسیالیسم و کاپیتالیسم و لیبرالیسم، نباید انتظار دست‌یابی شهروندان و هر شهروند حتی به صورت فردی به حقوق خود باشیم؛ زیرا در نظام سوسیالیستی که بر پایه فلسفه مادی دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی استوار است بر سه اصل متمرکز است، اصالت جمع، مالکیت دولتی و برنامه‌ریزی، در این نظام تمام ثروت‌های کشور به صورت ملی اداره می‌شود و مالکیت خصوصی جایگاهی ندارد. مقابل آن نظام کاپیتالیسم قرار دارد که مالکیت خصوصی اصل قرار گرفته است و نظام سرمایه‌داری پدید می‌آید که مبتنی بر اصالت سود و طرفداری آزادی مطلق سرمایه‌داری است (هادوی‌نیا، فلسفه اقتصاد، ۱۳۸۷: ۴۵/۱-۵۲؛ نمازی، نظام‌های اقتصادی، ۱۳۷۴: ۲۷-۲۴). بر این اساس قدرت است که سرمایه و سود را تعیین می‌کند و برای رسیدن به حداکثر سود از هیچ تلاشی دریغ نمی‌شود، حتی اگر حقوق محرومین و شهروندان در یک جامعه پایمال شده و از بین برود.

لیبرالیسم اقتصادی نیز که مهم‌ترین اصل فکری و فلسفی نظام اقتصاد سرمایه‌داری است، بر پایه دو اصل بنا شده است، اصالت فرد و آزادی فردی، بر این اساس محور اصلی، فرد است و اجتماع جز مجموعه‌ای از افراد تشکیل‌دهنده یعنی تک‌تک افراد چیزی نیست و در صورت تضاد منافع فرد با جامعه، اولویت با منافع فرد است و فرد بایستی از آزادی کامل برخوردار باشد و نباید در امور او

مداخله شود یا تحت فشار قرار گیرد و بر این اساس مالکیت خصوصی شکل می‌گیرد (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی ۱۳۷۷ ش: ۴۰۶ - ۴۰۵ و ۴۱۱).

در اسلام بر اساس آموزه‌های قرآنی اقتصاد بر پایه‌ی مالکیت مختلط است هم فرد و هم جامعه، نه مانند نظام سرمایه‌داری مالکیت خصوصی را می‌پذیرد و نه مانند نظام سوسیالیستی مالکیت عمومی را جستجو می‌کند بلکه از ابتدا مالکیت و اقتصادی مختلط را به رسمیت می‌شناسد، بر اساس این تفسیر هر نوع بی‌عدالتی از بین رفته و پایه‌های عدالت اقتصادی اجتماعی را برای شهروندان در یک دولت نوید می‌دهد (صدر، نهادهای اقتصاد اسلامی، ۱۳۷۹: ۴۹).

بر همین اساس اسلام، مالکیت خصوصی را به‌طور آزاد نمی‌پذیرد، بلکه تصرف در مالکیت خصوصی محدود و در عرض مالکیت عمومی و دولتی قرار می‌گیرد (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی ۱۳۷۷ ش: ۷۲).

اسلام کار و تلاش را اصل برای رسیدن شهروندان به حقوق خود می‌داند و معتقد به توازن اقتصادی در سطح جامعه است و دولت را موظف می‌کند، تا شهروندان به حقوق خود برسند و هر نوع کوتاهی در آن را جایز نمی‌داند.

قرآن کریم برای رسیدن شهروندان به حقوق اقتصادی خود و تحقق عدالت اقتصادی در میان آنان راهکارهایی را ارائه می‌دهد برخی از آن‌ها عام و برخی از آن‌ها خاص است، در این نوشتار این دو نوع راهکار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

از نظر پیشینه تحقیق می‌توان به مقاله «معیارهای عدالت اقتصادی از منظر اسلام» از سید رضا حسینی در مجله علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ۱۳۸۷ و «راهکارهای تحقق عدالت اقتصادی از دیدگاه نهج البلاغه» از نجمه کیخا، در مجله حضور، ۱۳۸۱ و بخشی از کتاب «افزون‌طلبی و راه‌های تعدیل ثروت در اسلام» از مهدی رشیدی، ۱۳۸۴ که بخش سوم آن به مبانی و راهکارهای عدالت اقتصادی پرداخته است اشاره نمود.

در کتاب‌های فوق‌الذکر، راهکارهای تحقق عدالت اقتصادی حقوق شهروندی از منظر قرآن به‌صورت مختصر و گذرا اشاره گردیده است که می‌توان از تحقیقات به‌دست‌آمده در این کتب به‌عنوان پیش‌درآمد بهره جست.

اغلب منابع اعم از کتب، مقالات و پژوهش‌ها در این زمینه تنها به بعدی از ابعاد این مسئله پرداخته‌اند. درحالی‌که این پژوهش هر دو مسئله عدالت اقتصادی در حقوق شهروندی را از زوایای

جدید و ارتباط وثیقی که بین آن‌ها برقرار است بررسی نموده است و در این راه با تکیه بر منابع متعدد و فراوان تفسیری و روایی فریقین بدون محدودیت خاص فرقه‌ای و مذهبی اقدام به عرضه تحقیقی که در نوع خود بدیع و نو می‌باشد نموده است.

۱. مفاهیم

الف. عدالت

عدالت در لغت به معنای برابری یا حد وسط میان افراط و تفریط، توازن و انصاف آمده است (راغب اصفهانی، مفردات فی غریب القرآن: ۲۰۰۶: ۴۰۵؛ مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم: ۱۳۸۵: ۵۷/۸) و در اصطلاح به معنای عطا کردن حق هر صاحب حقی به خودش و رعایت حقوق افراد است، این معنا در مقابل ظلم قرار دارد که پایمال کردن و تجاوز و تصرف در حقوق دیگران است (مطهری، نظری به نظام اقتصادی اسلام، ۱۳۸۶: ۷۹/۱).

ب. اقتصاد

اقتصاد از قصد به معنای استواری و استقامت در راه و نیز به معنای میانه‌روی می‌آید (راغب اصفهانی، مفردات فی غریب القرآن: ۲۰۰۶: ماده قصد)؛ و در اصطلاح با توجه به معنای متفاوت می‌توان گفت، عبارت است از: شناخت، ارزیابی و انتخاب روش‌هایی که بشر برای تولید و توزیع کالا و خدمات با استفاده از منابع به‌منظور مصرف به کار می‌گیرد (ر، ک، ساموئل سن، اقتصاد، ۱۳۴۳: ۱: ۶ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی ۱۳۷۷ ش: ۷).

ج. عدالت اقتصادی

منظور از عدالت اقتصادی، ارزشی است که با فراگیر شدن آن، توزیع امکانات و ثروت در جامعه به‌گونه‌ای به سامان می‌رسد که حقوق شهروندان در حوزه‌های مالی و سرمایه‌ای به تساوی، مراعات شود، به تعبیر دیگر عدالت اقتصادی آن است که در آن، همه مردم به‌حق خود از ثروت و درآمدهای جامعه دست یابند (میرمعزی، نظام اقتصادی اسلام، ۱۳۸۰: ۱۱۲).

د. حقوق شهروندی

شهروند به معنای ساکنان شهر که در اینجا زیرمجموعه‌ی یک دولت می‌باشد معنا شده است و از حقوق و مزایای مدنی مدت وی بهره‌مند می‌شوند (جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق،

۱۳۶۷: ۳/۲۳۱۴ - ۲۳۱۷)؛ و حقوق شهروندی حقوقی است برای اتباع کشور که در رابطه با مؤسسات عمومی مانند حقوق سیاسی، حق استخدام حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی، حق داور و مصدق واقع شدن.

در نتیجه اگر حقوقی در درون یک جامعه برای مردم و زیرمجموعه دولت خاصی در کشوری خاص به شکل قانونی و اجرایی وجود داشته و رعایت شود، این همان حقوق شهروندی است (همان: ۱۷۳۰/۲؛ موسوی و همکاران، بررسی حقوق شهروندی در اسلام با رویکردی بر نظرات امام خمینی، ۱۳۸۹، ش ۱۳)؛ اما بهتر آن است که بگوییم؛ حقوق شهروندی به حقوقی گفته می‌شود که یک واحد سیاسی مانند دولت یا کشور به حقوق شهروند و عضو خود باید عطا کند و شامل حقوق سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... است.

برای تحقق عدالت اقتصادی حقوق شهروندی دو نوع راهکار وجود دارد، راهکارهای عام و راهکارهای خاص؛ راهکارهای عام مانند تعاون عمومی، قانون‌گذاری عادلانه و نظام اجرایی قانون عادلانه، در اینجا راهکارهای عام به گونه‌ای خلاصه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

اول. راهکارهای عام تحقق عدالت اقتصادی حقوق شهروندی

منظور از راهکارهای عام راهکارهایی است که در کلیه مسائل اقتصادی اعم از تولید، توزیع، مصرف، مالکیت و ثروت به کار می‌رود، افزون بر آن راهکارهایی وجود دارد که فقط در تولید نقش اساسی ایفا می‌کنند که پس از آن بررسی خواهد شد.

۱. عمومی و مشارکت مردم

یکی از راهکارهای تحقق عدالت اقتصادی عام برای رسیدن شهروندان به حقوق خود مشارکت دادن مردم در رسیدن به حق خود است.

مشارکت‌های مردمی و تعاون عمومی به مثابه یک عامل نیرومند در کاهش فقر و برپایی عدالت اقتصادی می‌تواند نقش ایفا کند.

قرآن کریم مسلمانان را موظف می‌کند که به کمک یکدیگر بشتابند و بر اساس نیکی و تقوی با یکدیگر همکاری داشته باشند؛ خداوند می‌فرماید: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» همواره در راه نیکی و پرهیزگاری یکدیگر را کمک کنید و هرگز در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید (مائده/۲)



علت آن هم این است که مومنان همه با یکدیگر برادرند «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات/۱۰)
تعاون و مشارکت عمومی می‌تواند در شکل‌های مختلف تحقق یابد: در امر فقرزدایی می‌توان به
وقف نمودن اموال، واگذاری ملک، صدقه، وصیت، نذر و مانند آن عمل نمود.
زمانی می‌توان شاهد تحول جامعه و رهایی از نابسامانی‌های آن و تحقق عدالت اقتصادی بود، که
افراد جامعه دست در دست هم گذاشته و برای رسیدن به پویایی جامعه تلاش کنند.
امام صادق (ع) می‌فرماید: «مؤمن برادر مؤمن است و همانند یک پیکرند، اگر پاره‌ای از این جسد
از ناراحتی شکایت کند، درد آن در سایر پیکر یافت می‌شود.» (کلینی، الکافی، ۱۳۶۵: ۱۶۶/۲).
فراپی معتقد است برای رسیدن به مدینه فاضله و مراتب کمال در زندگی اجتماعی به تعاون و
همکاری نیاز است (تفضلی، تاریخ عقاید اقتصادی، ۱۳۷۵: ۳۷).
تعاون و مشارکت مردم می‌تواند در امور مختلفی باشد: در رفع نیازها، تکافل اجتماعی مانند انفاق،
وفای به عهد و پیمان‌ها، کمک در از بین بردن محرومیت‌ها، کمک کردن در درمان بیماری‌ها، حرکت
به سمت میدان جنگ و ... همچنین تعاون مردم می‌تواند: در تولید، مشارکت آنان در خرید تولیدات
داخلی و حمایت از آن و امروزه مشارکت دادن در بورسیه و ... باشد.
نیز از وظایف دولت برای رسیدن شهروندان به از برخی حقوق اقتصادی خود، مشارکت دادن آنان
در ایجاد صنایع، سهام کردن مردم در صنایع ملی مانند نفت و گاز و مراتع و نیز کارخانه‌ها و اموال
عمومی است.

۲. قانونگذاری عادلانه

از راهکارهای عام تحقق عدالت اقتصادی در تولید قانونگذاری عادلانه است. وجود قوانین
عادلانه، جامعه را در مقابل هرج و مرج طلبی‌ها، سودجویی‌های منفعت طلبان، ستم کردن به افراد
ضعیف تر مصونیت می‌بخشد.
بنابراین قوانین عادلانه باعث می‌شود تا مردم به حقوق شهروندی خود به طور عادلانه برسند و
عدالت اقتصادی در میان شهروندان تحقق پیدا کند.
قرآن می‌فرماید: «ما رسولان خود را دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب آسمانی [که نوعی کتاب
قانونی است] و میزان شناسایی حق و باطل [که نوعی قوانین عادلانه است] نازل کردیم» (حدید/۲۵).
مارکسیسم و لیبرالیسم به عنوان دو مکتب بزرگ اقتصادی در جهان، به نوعی معتقد به قوانین
عادلانه هستند. مارکسیست‌ها برآنند که عدالت اجتماعی هرگز تحقق نمی‌یابد مگر آنکه مالکیت

شخصی به کلی از بین برود و مالکیت دسته جمعی جای آن را بگیرد. در حالی که لیبرالیست‌ها عدالت اجتماعی را منحصرأ در آن می‌دانند که فردی از آزادی کامل برخوردار باشد و در سایه عدالت در میدان‌های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی بتواند بدون هیچ مانعی فعالیت کند و از ثمره کار خود بهره مند شوند (فیض، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، ۱۳۶۴: ۳۷؛ قدیری اصلی، سیر اندیشه اقتصادی، ۱۳۷۶: ۱۳۹) و نظام سکولاریسم نیز تنها به زندگی و منافع مادی توجه نموده و جایگاه اقتصاد در سرنوشت اخروی انسان را نمی‌پذیرد (کوزنتس، رشد نوین اقتصادی، ۱۳۷۲: ۱۸). در هر صورت، یا حقوق افراد از بین می‌رود، یا حقوق عمومی و دولت‌ها زیر پا گذاشته می‌شود. زیرا لیبرالیسم و کاپیتالیسم، با آزاد گذاشتن افراد به طور کامل موجب سودجویی صاحبان ثروت و تولید می‌شود (ژوزف لاژوژی، نظام‌های اقتصادی: ۳۶) به همین جهت این مکاتب نمی‌توانند قانون‌گذار باشند، بر اساس ویژگیهایی که برای قانون‌گذار ذکر می‌شود، اصل جعل حکم و قانون اختصاص به خدا دارد و در قرآن کریم نیز جعل حکم و قانون ابتدا به خداوند یافته است: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» حکم و قانون به خدا اختصاص دارد. اما ویژگیهایی که برای قانون‌گذار وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱. قانون‌گذار باید به تمام جوانب قانون آگاه باشد و به تمام نیازهای مادی و روحی انسان اطلاع داشته باشد.

۲. قانونگذار در مقابل جعل و وضع قوانین سود و منفعت خود را در نظر داشته باشد.

۳. خطا و غفلت در ساحت او راه نداشته باشد.

این ویژگی‌ها تنها از آن خداوند علیم است که تمام هستی و قوانین آن در اختیار انسان قرار داده است تا او به سعادت برسد در صورتی که خداوند صلاح بداند آن را به پیامبرش یا افراد شایسته واگذار می‌کند.

۳. نظام اجرایی ضامن اجرای عدل محور

از راهکارهای تحقق عدالت اقتصادی حقوق شهروندی یک نظام اجرایی متقن است. نظامی که بسط و گسترش عدل و داد در سرلوحه کار خود قرار دهد و یک حکومت اسلامی که دغدغه اصلی آن عدالت ورزی و گسترش دادن حق در جامعه باشد.

قرآن کریم فلسفه وجودی تشکیل حکومت را در جوامع انسانی، برپایی حق و عدالت می‌داند. خداوند می‌فرماید: «وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نسا/۵۸)؛ «خداوند فرمان می‌دهد هرگاه میان مردم داوری می‌کنید به عدالت داوری کنید.»

همچنین در خطاب به حضرت داوود به عنوان یک حاکم جامعه می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید کاملاً قیام به عدالت کنید» (نسا/۶۳۵)؛ یعنی عادت شما این باشد که در گفتار و کردار و اجرای قوانین از عدالت خارج نشوید (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۱۶۹/۳).

وظیفه مومنان است که پیوسته از اجرایی شدن عدالت در جامعه محافظت کنید، تعبیر «قوامین» در آیه مبالغه در قیام است؛ یعنی نه تنها به عدل عمل نموده و گفتار و کردارتان را بر اساس آن منطبق سازید بلکه لازم است، از اجرا شدن آن در جامعه نیز محافظت کنید (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۱۰۸/۵).

دولت و حکومت اسلامی می تواند در اقتصاد به سود حقوق شهروندان دخالت کند و یکی از مهمترین راهکارهای تحقق عدالت اقتصادی، نظام اجرایی عدالت محور است. چه بسا در مواردی اجرای عدالت از عهده افراد جامعه خارج بوده و نیازمند دخالت دولت و قدرت حاکمه است. در چنین مواردی اگر سیستم حاکمیت و نظام اجرایی، دغدغه عدالت نداشته باشد و به فکر اجرای آن نباشد هرگز عدالت در جامعه اجرا نمی شود. بدتر از این زمانی است که دولت و حاکمیت، ظلم و ناعدالتی را پیشه خود ساخته و از آن جانب داری کند. روشن است که در چنین شرایطی وضعیت جامعه چگونه خواهد بود.

بسیار مایه نگرانی و تأسف است که بی عدالتی های دوران معاصر نه از ضعف قانون بلکه به خاطر نبود نظام اجرایی عدل محور است که یا در آن از عدل و انصاف سخنی به میان نمی آید و یا اینکه اجرای عدالت در چنین نظام هایی از صفحات کاغذ و اعلام بخش نامه ها و ابلاغ آن به مراکز ذیصلاح و پخش آن در رسانه های جمعی تجاوز نمی کند، گو اینکه حاکمان و متولیان جامعه در اجرای عدالت، بیش از این اندازه اگر اقدامی انجام دهند به ضرر خود و نابود شدن زحمات چندین ساله خود و حامیان خویش می دانند.

دوم: راهکارهای خاص تحقق عدالت اقتصادی حقوق شهروندی

تا اینجا راهکارهای عام و تأثیر گذار در تحقق عدالت اقتصادی حقوق شهروندی مورد بحث قرار دادیم، در این قسمت مهمترین راهکارهای خاص حقوق شهروندی را در تحقق عدالت اقتصادی در تولید را مورد واکاوی قرار می دهیم:

۱. کار و اشتغال

یکی از مسئولیت‌های انسان برای رسیدن به اهداف اقتصادی کار و تلاش است از طرف دیگر وظیفه دولت ایجاد زمینه و حمایت برای تلاش در راستای تولید و ایجاد انگیزه برای به کار انداختن و تقویت صنایع و سازندگی کشور و به کار بردن توان و گردآوری ثروت ملی برای آینده کشور است. از بین بردن انگیزه و عدم حمایت کار و کارگر و بی توجهی به زمینه‌ها باعث می‌شود کار و تلاش کارگران به رکود، بیکاری و فقر منجر شود و حقوق شهروندان در ارتباط با کار و تولید از بین برود. کار و تلاش یکی از مهمترین راهکارها برای رسیدن به تحقق عدالت اقتصادی است، زیرا بر اساس کار و تلاش فقر از زندگی و جامعه از بین نمی‌رود، برای تأمین نیاز خود و خانواده به تولید بیشتر و به دست آوردن کالاهای ضروری روی می‌آورد و مقدار بیشتری اموال و ثروت نصیب انسان می‌شود. از دیدگاه اسلام کار و تلاش پایه مالکیت قرار می‌گیرد از نظر بهداشت روان کار مفید و سازنده، نقش مهم در تربیت و بالندگی انسان دارد. کار مفید و سازنده موجب آسایش خانواده و توسعه در روزی خواهد بود. در عصر تکنولوژی اگر چه تا حدی صنعت و تکنولوژی جای نیروی انسانی را پر کرده است اما در عین حال، هر انسان آن چه بدست می‌آورد خود محصول کار، تلاش و اندیشه او است. کار در مفهوم اقتصادی آن: مجموعه اعمالی است که انسان به کمک مغز، دست، ابزارها و ماشین‌ها، در راه تولید ثروت با ایجاد خدمات انجام می‌دهد (توسلی، تحلیل ماهیت پول و بنیان‌های اعمال سیاست پولی در اقتصاد اسلامی، ۱۳۹۴: ۱۰).

کار و تلاش امری است که نظام تکوین و عالم طبیعت بر دوش آدمی نهاده است و انسان بر اساس سنت آفرینش در رنج آفریده شده است و زندگی توقف نمی‌کند «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» (بلد/۴) «ما انسان را در رنج و سختی آفریدیم.»

بر اساس دیدگاه قرآن انسان به هیچ چیزی جز با کار و تلاش دست نمی‌یابد؛ «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم / ۳۹)؛ «و اینکه برای انسان بهره ای جز تلاش و کوشش او نیست.» مفهوم کار و تلاش اقتصادی در قرآن با عبارات متفاوتی آمده است: «ابتغاء من فضل الله» جستجوی فضل الهی که در آیات متعددی برای تجارت به کار رفته است (سوره‌های اسراء/۱۲؛ روم/۶؛ جمعه/۱۰؛ قصص/۷۳) «ضرب فی الارض» مسافرت برای تجارت و کسب و کار (مزممل/۲۰؛ نساء/۱۰۱)؛ «فامشوا فی مناكبها» (ملک/۱۵).

نیز واژه کسب که معنای عامی دارد ولی می‌توان مفهوم کار و فعالیت را از آن استخراج نمود، همچنین است استفاده واژه «کلوا» اگر چه به معنای بخورید و برای خوردن استفاده می‌شود، اما به

معنای به دست آوردن خوردنی‌ها و غذا نیز می‌آید. همچنین است آیاتی که می‌فرماید: روز را مایه معاش و تلاش برای زندگی شما قرار دادیم (نبا/۹).

و اینکه خداوند در جهان هستی دریاها، بادها، کشتی‌ها و وسایل و ابزار زندگی مانند حیواناتی که مرکب انسان قرار می‌گیرند، همه این موارد در راستای تلاش انسان است.

«خداوند همان کسی است که دریا را مسخر شما قرار داد تا تا کشتی‌ها فرمانش در آن به حرکت در بیایند و شما از فصل او بگیریید و شاید سپاسگزار نعمت‌هایش باشید» (جائیه/۱۲).

امام صادق (ع) می‌فرماید: «الکاد لعیاله کالمجاهد فی سبیل الله» کسی که برای رزق و روزی خانواده‌اش تلاش می‌کند مانن انسانی است که در راه خدا جهاد می‌کند (کلینی، الکافی، ۱۳۶۵: ۵/۸۸).

از مهمترین عوامل تولید و حفظ آن برای یک کشور کار و اشتغال است. یکی از مشکلات کشورهای کمتر توسعه یافته بیکاری و رکود اقتصادی است. از مهمترین دغدغه‌های دولت‌ها همواره کار و اشتغال است، کار و اشتغال از مهمترین برنامه‌های تبلیغات انتخاباتی نامزدهای ریاست جمهوری است.

کار موجب رونق اقتصادی است، با تدبیر و برنامه صحیح باید معضل بیکاری از بین برده شود. دولت و کشور موفق، کشوری است که شاخص بیکاری را کاهش و کار، اشتغال و رونق را به بازار بر گرداند.

برخی از مهمترین وظایف دولت درباره کار و اشتغال:

- ا. تقویت آموزش فنی و حرفه ای (برای کلیه اقشار مردم)
- ب. همکاری با شرکت‌های صنعتی و پرداخت وام به کار آموزان
- ت. صدور مجوزهای لازم در کوتاه‌ترین زمان با نظارت کمیته‌های راستی آزمایی
- ث. نظارت بر تولید کیفی کارخانه‌ها و صنایع تولیدی
- ج. حذف یا به حداقل رساندن بهره‌های بانکی
- ح. کاهش مالیات بنگاه‌های تولیدی
- خ. برنامه ریزی و مجوز صادرات محصولات به بازار بین الملل

۲. تعدیل کنترل در قیمت‌ها و دست‌مزدها

یکی از راهکارهای حقوق شهروندی در تحقق عدالت اقتصادی کنترل قیمت‌ها و تعدیل آن و کنترل دست‌مزدهاست. ضروری است که در یک نظام عادلانه باید کالای عرضه شده و تولیدات،

قیمت گذاری شده و پرداخت دستمزد کارمندان و کارگران به صورتی عادلانه تعیین و اجرا گردد. دولت اسلامی باید با توجه به کمبودها، ظرفیت‌ها، نیازها، میزان کارایی کالا در رفع نیازهای اجتماعی واقعی، ارزش واقعی کالا را در جریان مبادلات تعیین کند تا زمینه‌ای برای ظلم و اجحاف در بخش مبادلات باقی نماند. همانگونه که وظیفه دارد بر اساس معیارهای انسانی، اسلامی ارزش حقیقی نیروی کار و خدمات را نیز مشخص کند تا زمینه‌ای برای فاصله طبقاتی و استثمار در جامعه پدید نیاید. در جامعه‌ی برخوردار از سلامت اقتصادی هر چند اصل اولی در مباحث اقتصادی اعم از تولید و توزیع، طبق قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم»، اختیار و آزادی افراد در معاملات است و در شرایط عادی اقتصادی، دخالت در معاملات دیگران و نرخ گذاری و هرگونه تضییق بر صاحبان کالا شایسته نیست.

اما به طور معمول در جوامع اقتصاد و معاملات و قیمت‌ها و نرخ دستمزدها با مشکلات مواجه بوده و بازرگانان و صاحبان سرمایه و کالا به علت منفعت طلبی، سودجویی، حرص و طمع، دست به کارهای خلاف قانون می‌زنند و اقتصاد را در مخاطره می‌اندازند. احتکار کالا، انحصار طلبی، گران فروشی، زندگی روزمره مردم را با مشکل مواجه می‌سازد، در اینجا دولت اسلامی برای اجرای عدالت و حمایت از اقشار آسیب پذیر جامعه موظف است وارد عمل شود.

به همین دلیل بسیاری از فقها از جمله شهید اول (العاملی، الروضة البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، ۱۴۲۹: ۲/۲۲۶)، علامه (حلی، مختلف الشیعه، ۱۴۱۳: ۵/۴۱) و فخرالمحققین (فخرالمحققین، ایضاح الفوائد، ۱۳۷۸ ش: ۱/۴۰۹) تسعیر و قیمت گذاری را پذیرفته‌اند.

برخی از فقها نیز در صورت گرانفروشی دولت را موظف دانسته‌اند که فرد گرانفروش را مجبور نماید تا قیمت را پایین بیاورد، اگر تا میزان عادلانه کاهش نداد، مجدداً از سوی دولت به وی اخطار می‌گردد و بالاخره تحت فشار و مراقبت، بایستی دولت نرخ را به حدی برساند که کاملاً عادلانه باشد (العاملی، الروضة البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، ۱۴۲۹: ۲/۲۲۶).

در قرآن کریم عدالت اساس امور شمرده شده است (نحل/۹۰)؛ حضرت شعیب مطابق آیات قرآن به قومش فرمان می‌دهد: «پیمان‌ه و وزن را کم نکنید و دست به کم فروشی نزنید» (هود/۸۴)؛ پیمان‌ه و وزن را با عدالت تمام بدهید. بر اجناس و اشیاء مردم عیب نگذارید و از حق آنان نگاهید و در زمین به فساد نکوشید (هود/۸۵).

در روایتی امام صادق (ع) در تفسیر جمله «انی اراکم بخیر» می‌فرماید: «کان سعرهم رخیصاً»

منظور این است که قیمت‌ها ارزان و مناسب باشد (صدوق، من لایحضره الفقیه، ۱۴۱۳: ۲۶۸/۳). «بخس» در اصل به معنای کم کردن به عنوان ظلم و ستم است و نباید در حق مردم کوتاهی و ظلم و ستمی صورت گیرد و نسبت به اموال مردم کم بگذاریم یا نقص در اموال مردم ایجاد کنیم؛ در تفسیر نمونه درباره فساد در آیه آمده است: «فساد از طریق کم فروشی، و یا گران فروشی، فساد از طریق غصب حقوق مردم و تجاوز به حقوق دیگران و دادن حقوق و دستمزد کمتر از ارزش واقعی کار و خدمات انجام شده، فساد به خاطر برهم زدن میزان‌ها و مقیاس‌های اجتماعی، فساد از طریق عیب گذاشتن بر اموال و اشخاص و بالاخره فساد به خاطر تجاوز به حریم حیثیت و آبرو و ناموس و جان مردم همگی می‌تواند در مفهوم وسیع «و لاتعتوا فی الارض مفسدین» لحاظ شده باشد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۲۰۲ / ۹).

حضرت شعیب از پیامبرانی است که به مبارزه با مفاسد اقتصادی پرداخته است. وی بسوی مردم «مدین» مبعوث می‌شود. مدین شهری از شهرهای شام است. آن شهر محل رفت و آمد بازرگانان بوده و مردمی ثروتمند و تجارت پیشه داشته است. آن‌ها بت پرست بودند، فشار اقتصادی مانند کم فروشی، تقلب در میان آن‌ها رایج بود (سوره اعراف/۸۵ و هود/۸۴) این پیامبر الهی مردم را به دوری از فساد اقتصادی دعوت می‌کند و اینکه قرآن از میان همه گناهان قوم او، خصوص کم فروشی و نقص در کیل و وزن را نام می‌برد، دلالت دارد بر اینکه این گناه در بین آنان شیوع بیشتری داشته است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۱۰ / ۳۷۷).

تعبیر «خَيْرٌ لَكُمْ» (اعراف/۸۵) به نوعی دلالت بر اعتدال در اقتصاد دارد. نیز خیانت در خرید و فروش و فساد در امور اقتصادی موجب اختلال در نظام معیشتی مردم می‌شود (ر.ک: همان: ۱۰ / ۳۶۳).

امام علی (ع) در سفارش‌های خود به مالک اشتر می‌فرماید: «و لیکن البیع بیعا سمحا بموازین عدل و اسعار لا تجحف بالفریقین من البایع و المبتاع» باید خرید و فروش در جامعه اسلامی به سادگی با موازین عادلانه باشد، با نرخ‌هایی که به فروشنده و خریدار اجحاف، ظلم و زیانی نرسد (شریف رضی، نهج البلاغه، ۱۴۰۴: نامه ۵۳).

یکی از وظایف زمام داران نگهداری و حفظ عادلانه قینت هاست. امام علی (ع) در عهدنامه خود به مالک اشتر می‌فرماید: «این را هم بدان که در میان بسیاری از بازرگانان کسانی هستند که تنگ نظر و بد معامله، بخیل و احتکار کننده‌اند، که تنها با زورگویی به سود خود می‌اندیشند و کالا را به هر قیمتی

می خواهند بفروشند که این سودجویی و گران فروشی برای همه افراد جامعه زیانبار و عیب بزرگی بر زمام دار است. پس از احتکار جلوگیری کن، که رسول خدا (ص) از آن جلوگیری می کرد.» (همان: نامه ۵۲)

اینکه حضرت می فرماید: «عیب علی الولاه» بر زمام داران ننگ و عیب بزرگی است. و نیز می فرماید: از احتکار منع کن که رسول خدا (ص) منع می کرد» دلیل است که زمام داران و دولت اسلامی نباید در برابر گرانیها، فساد اقتصادی و احتکار و سودجوییها بی تفاوت باشد.

در سیره حکومتی امام علی (ع) می بینیم که حضرت شخصاً اوضاع بازار و اقتصاد جامعه را زیر نظر داشته، همواره مردم را به عدل و انصاف در قیمتها و رعایت موازین اخلاقی سفارش می نمود.

در روایتی آمده است: «یطوف فی الاسواق سوقاً سوقاً» در بازار شخصاً، بازار به بازار می گشت سپس به بازار خرمافروشان می رفت و می فرمود: «اظهروا من روی بیعکم ما تظهرون من جیده» همانگونه که جنس خوب خود را آشکار می کنید جنس بد خود را نیز به مردم نشان بدهید (ابن حیون، دعائم الاسلام، ۱۳۸۳ ق: ۵۳۸/۲)، تقلب نکنید که جنس بد را به جای جنس خوب به دیگران بدهید. در برخی نقلها آمده است که اگر در بازار به فروشنده ای بر می خورد که فریب مردم می دهد یا کم فروشی می کند، او را با تازیانه تنبیه می کرد («انه کان یمشی فی الاسواق و بیده دره یصر»)

با توجه به نکات فوق برای تحقق عدالت اقتصادی حقوق شهروندان بر دولت اسلامی و زمام دار آن لازم است که به قیمتها در بازار توجه داشته و از سوء استفادهها و نیز انحصار طلبیهای برخی تولید کنندگان، صاحبان سرمایه و تاجران جلوگیری کند تا جامعه به فساد اقتصادی مبتلا نشود و قشر آسیب پذیر جامعه ضعیف تر نگردد.

۳. پیش گیری از انحصار در تولید و حقوق شهروندان در درآمدهای ملی

همه شهروندان در درآمدهای ملی سهیم هستند. و از مؤلفه های تحقق عدالت اقتصادی در جامعه جلوگیری از انحصار در تولید و سهیم کردن طبقات مختلف در آن است. صاحبان قدرت و نافذان در دولت به طور طبیعی تلاش می کنند تا برخی از مهم ترین منابع و ابزار تولید جامعه را در اختیار گرفته و از آن خود کنند و نگذارند تولید به صورت ملی و عموم اداره شود، در این صورت انحصارگرایی در تولید پدید می آید.

از این رو امیرالمؤمنین علیه السلام توجه ویژه ای به چگونگی مصرف بیت المال مبذول می داشتند؛ چنانکه در آغاز خلافت خویش فرمودند «به خدا سوگند بیت المال تاراج شده هر کجا بیابم به صاحبان

اصولی آن باز می‌گردانم» (شریف رضی، نهج البلاغه، ۱۴۰۴: خطبه ۱۵). همچنین یکی از وظایف امام را رساندن سهم مردم به ایشان ذکر فرمودند (همان: خطبه ۱۰۵). در مورد دارایی‌های همگانی آن حضرت بارها به استفاده عادلانه همه اقشار تأکید کرده، این مهم را به فرمانداران نیز گوشزد می‌فرمودند.

صاحب‌منصبان در یک دولت تلاش می‌کنند با به دست گرفتن امتیازات بخش اعظم تولیدات کشور را از آن خود کنند و به کسی اجازه ورود به عرصه تولید را ندهند، در این صورت است که استقرار عدالت اقتصادی ممکن نخواهد بود. گروه «مترفان» که از امتیازات حکومتی برخوردارند، در صدد تا زندگی مرفه‌ای را تجربه کنند. در سوره اسراء آیه ۱۶، به این گروه اشاره شده و آنان کسانی هستند فساد و فسق می‌کنند. مترفین از ترفه به معنای نعمت فراوان، یعنی متنعمین، ثروتمندان از خدا بی‌خبر، در بسیاری از جوامع «مترفین» سردمداران اجتماع‌اند و دیگران پیرو آن‌ها، در آیه فوق که سرچشمه غالب مفاسد اجتماعی ثروتمندان و مرفهان هستند، که در ناز و نعمت و عیش و هوس غرق‌اند، به همین دلیل همیشه در صف اول در مقابل پیامبران ایستاده‌اند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱۲: ۶۰).

در قرآن گروه دیگری از انحصار طلبان را با نام «ملا» معرفی می‌کند در آیات فراوانی به این گروه تصریح می‌کند؛ از جمله در سوره قصص آیه ۲۰ و سوره اعراف آیه ۶۰، این گروه نیز همان اشراف و سران و خواص قوم یا حکومت‌اند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۸ / ۱۷۴) و معمولاً به جمعیتی گفته می‌شود، خودخواه، خودکامه که ظاهری آراسته و باطنی آلوده دارند

به طور معمول این گروه‌ها در صددند تا بسیاری از امتیازات حکومتی به ویژه منافع اقتصادی را برای خود داشته باشند و دیگران را از منافع عام حکومتی آن بی‌بهره سازند.

روشن است، برای رسیدن به عدالت اقتصادی حقوق شهروندی راهی جز مبارزه و حذف این گونه انحصار طلبی‌ها نیست، برای تحقق عدالت در تولید، توزیع، عرضه و تقاضا و مشارکت عموم مردم در این عرصه‌ها امتیازات انحصار طلبی را باید از بین برد، تا ثروت و اموال تنها در تصرف و قدرت افراد سودجو و منعت طلب در نیاید.

۴. جذب و گزینش نیروی کارآمد و شایسته

یکی از مهمترین راهکارهای تحقق عدالت اقتصادی برای رسیدن شهروندان به حقوق خود جذب و گزینش نیروی کارآمد و انتخاب مدیر شایسته و توانا است. همانطور که تعریف عدالت اقتصادی گفته آمد که منظور رعایت استحقاق‌ها و دادن حقوق اقتصادی افراد به آن‌ها است. انتخاب افراد نبایند

بر اساس باندبازی، حزبی، پارتی بازی، اولویت‌های خویشاوندی و مانند آن باشد، بلکه برای رسیدن شهروندان به حقوق حقیقی خود لازم است. لیاقت، تناسب افراد با کار، تعهد و تخصص و ضوابط خاص برای گزینش در نظر گرفته شود و اگر جز این باشد شهروندان به حقوق خود نخواهند رسید و عدالت اقتصادی در حق آنان محقق نمی‌شود.

در نظام اقتصادی گزینش افراد باید بر اساس ضوابط باشد نه روابط، اگر این گونه نباشد عدالت قربانی خواهد شد و بی‌عدالتی در جامعه گسترش یافته، چرا که عده ای به ناحق در مناصب قرار گرفته‌اند که شایستگی آن را ندارند، اینجاست که افراد به منافع شخصی خود می‌اندیشند و عدالت تنها به یک مفهوم نمادین و سمبلیک تبدیل می‌شود. این شرط برای انتخاب افراد در مناصب و پست‌های حساس مانند روسای گمرک، مدیران مالی و بانک‌ها، بنگاه‌های تجاری و مدیران اصناف و مانند آن بسیار حائز اهمیت است، در غیر اینصورت باید شاهد ضایع شدن حقوق مردم و شهروندان باشیم.

در قرآن کریم در مواردی به این شایستگی اشاره شده است:

الف) ویژگی مدیران امور مالی (امانت‌دار - آگاهی و علم)

در داستان حضرت یوسف (ع) می‌خوانیم که ایشان پس از تقاضای خزانه‌داری، ویژگی را برای این پست مطرح می‌کند، می‌فرماید: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف/۵۵)؛ «یوسف گفت: مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده که نگهدارنده و آگاهم.»

در این آیه شریفه حضرت یوسف (ع) علت پیشنهاد خزانه داری مصر و رمز شایستگی خویش را برای تصدی این منصب همان تعهد و تخصص خویش می‌داند، به عبارت دیگر در اداره کردن امور تعهد به تنهایی و یا تخصص به تنهایی کافی نیست؛ بلکه در بهتر شدن یک امر لازم است هر دو ویژگی وجود داشته باشد تعبیر یوسف (ع) که می‌گوید: «انی حفیظ علیم» دلیل بر اهمیت مدیریت در کنار امانت است، و نشان می‌دهد که پاکی و امانت به تنهایی برای پذیرش یک پست حساس اجتماعی کافی نیست بلکه علاوه بر آن آگاهی و تخصص و مدیریت نیز لازم است، چرا که «علیم» را در کنار «حفیظ» قرار داده است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱۰/۱۰).

ب) ویژگی کارگزار و نیروی انسانی (توانایی و امانتداری)

یکی دیگر از عناصری که در شایسته‌سالاری بایستی مد نظر قرارداد تعهد و تدوین است قرآن کریم در موارد متعددی به تعهد و تدین اشاره نموده است از جمله در سوره قصص در جریان موسی (ع) و دختران شعیب (ع) می‌فرماید:



«قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (قصص/۲۶) یکی از آن دو (دختر) گفت: پدرم! او را استخدام کن، چرا که بهترین کسی را که استخدام می‌توانی کنی آن کس است که قوی و امین باشد.»

از آیه شریفه بدست می‌آید که علاوه بر علم و تخصص قدرت و امانت نیز بایستی در کارمندان و مجریان یک امر لازم است؛ زیرا اگر کسی از تخصص کافی برخوردار باشد اما دارای تعهد لازم و یا قدرت کافی بر انجام کار را نداشته باشد، آن طرح با شکست مواجه خواهد شد.

از این رو در اجرایی شدن عدالت اقتصادی که در دنیای معاصر یکی از ضروری‌ترین و در عین حال یکی از مشکل‌ترین مسائل است لازم است که مجریان عدالت از یکسو از تخصص کافی و از سوی دیگر از تعهد و تدین لازم برخوردار باشند. این نکته از تاریخ زندگی حضرت یوسف (ع) و شیوه مدیریت او در اداره امور اقتصادی و اجرای عدالت اقتصادی در سرزمین پهناور مصر باستان به خوبی قابل استفاده است. در این زمینه تعبیر روشن‌گری از امام صادق (ع) وجود دارد که بسیار قابل توجه و درس آموز است ایشان می‌فرماید: «ما أبالي إلی من ائتمنت، خائنا أو مضییعا» فرق نمی‌کند که به خائن اعتماد کنیم یا به ناشی. از ظاهر این تعبیر شریف بر می‌آید که خطر انسان ناشی کمتر از خطر انسان خائن نیست، همانگونه که فرد خائن خیانت می‌کند انسان ناشی و غیر متخصص نیز زبان می‌رساند پس زبان‌رسانی گاه به دست غیر متخصصان صورت می‌پذیرد، هرچند از زمره متعهدان باشند، و گاه به دست غیر متعهدان هرچند متخصص.

ج) ممنوعیت تسلط افراد کم‌خرد و نااهل بر اموال

از این رو است که قرآن کریم به ما دستور می‌دهد که افراد کم‌خرد و نااهل را بر اموال خویش نگماریم بلکه لازم است کسی در رأس امور اقتصادی ما باشد که برخوردار از صلاحیت کافی و شایستگی لازم در حفظ اموال یا رشد آن باشد. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (نسا/۵)؛ «اموالی را که خدا وسیله سامانیابی زندگی شما قرار داده است به دست سفیهان می‌دهد، از آن اموال خوراک و پوشاک ایشان را فراهم آورید، و با آنان به نیکی سخن گوید.»

علامه طباطبایی در تفسیر آیه کریمه می‌فرماید: «کلمه "سفه" به معنای سبکی عقل است، و گویا در اصل به معنای مطلق سبکی و سستی چیزی است که نباید سست باشد و از این باب است که افسار سست را "زامم" و جامه سست بافت را "ثوب سفیه" می‌نامند، "ثوب سفیه" یعنی جامه ای که بافتنش و

پارچه‌اش پست است ولی بعداً بیشتر در سستی عقل استعمال شده است و معنایش بر حسب اختلاف اغراض مختلف می‌شود، مثلاً به کسی که در اداره امور دنیائیش قاصر و عاجز است سفیه می‌گویند و به کسی هم که در امور دنیائیش کمال هوشیار را دارد ولی درباره امر آخرتیش کوتاهی نموده و مرتکب فسق می‌شود یعنی در این قسمت لابلالی است، سفیه می‌گویند.» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۴ / ۲۷۲)؛ بنابراین، آیه شریفه به اولیا و سرپرستان جوامع بشری سفارش می‌کند که باید امور افراد سفیه را خود به دست بگیرند و از دادن مال به دست صاحبان سفیه و غیر رشید خودداری کند؛ زیرا آنان صلاحیت و شایستگی مصرف صحیح اموال نداشته و آن را در غیر موردش مصرف می‌کنند.

زمخشری در بیان اینکه آیه کریمه چرا نفرموده: «وارزقوهم منها» یعنی از مال ارتزاقشان کنید بلکه فرموده: وارزقوهم فی‌ها - ارتزاقشان در مال باشد تحلیل جالبی دارد ایشان می‌نویسد: «سرش این است که بفهماند ارتزاق سفیه باید از درآمد مال باشد، نه از اصل آن. چرا که اگر از اصل مال باشد لازمه‌اش این است که اصل مال او را کد بماند و به جریان نیفتد و او شروع به مصرف خود مال کند تا سرانجام اصل سرمایه به کلی نابود شود، بنابراین اصل مال باید اصل مال محفوظ بماند و یتیم از درآمد آن ارتزاق کند.» (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۱: ۴۷۲).

نیز می‌توان گفت: شاید "سفیه" در تراز اقتصادی غیر متخصصان در علوم اقتصادی را نیز شامل شود، چه آنان از برنامه ریزی مالی آگاهی ندارند و آن را خوب انجام نمی‌دهند، نیز نمی‌توانند برنامه‌های برنامه‌های مالی صحیح را به صورتی شایسته عملی سازند، بویژه در عصر انقلاب و برای ساختن جامعه انقلابی که انقلاب به معیشت و امور زندگی مردم باید سرایت کند. باید برای هر شغلی و پستی بخصوص پست‌های مالی انسان‌هایی مؤمن، متعهد و متواضع و متخصص و آگاه و انقلابی و امین و انسان دوست و دین فهم و زمان شناس گزیده شوند.

۵. مقابله با درآمدهای نامشروع

یکی از راهکارهای تحقق عدالت اقتصادی حقوق شهروندی در تولید مقابله با درآمدهای نامشروع است جلوگیری از درآمدهای نامشروعی مانند ربا، احتکار مواد اولیه و ضروری برای تولید، سرقت‌های تکنیکی و بانکی برنامه‌ریزی شده نوعی تعیین حدود برای فعالیت اقتصادی صحیح است، که می‌بایست برای رسیدن به جامعه عدالت محور در فرایند تولید از آن تبعیت کرد.

الف) ربا

از مهم‌ترین عواملی که موجب افزایش شکاف طبقاتی است و مانع تحقق عدالت اقتصادی حقوق شهروندی جامعه است، موضوع ربا است. دولت‌ها، بانک‌ها و مؤسسات مالی برای تولید، و ایجاد کارگاه‌ها و کارخانه‌ها، وام‌هایی با بهره‌های فراوان و وام‌های ربوی در اختیار تولیدکنندگان قرار می‌دهند، این نوع فعالیت اقتصادی ضمن بوجود آوردن گرانی در کالا آسیب‌های زیادی به سرمایه‌ها و کارخانه داران خواهد زد، ربا در قرآن به شدت مورد نهی قرار گرفته است و از محرّمات قطعی شریعت اسلام است. نه تنها در اسلام بلکه در ادیان گذشته از جمله در میان یهودیان (تورات، سفر خروج، فصل ۲۲، آیه ۱۵) و مسیحیت (انجیل لوقا، فصل ششم، آیه ۳۴) حرام شمرده شده است، و بر روی قرض دادن بدون سود تأکید شده است.

در نگرش اقتصاد در دنیای معاصر، ربا عامل رشد اقتصادی به شمار می‌رود و بانک‌های جهانی بر اساس آن پیش می‌روند و بر اساس پیوند بانک‌ها با اقتصاد و دولت و مردم، به خودی خود ربا میان مردم رواج پیدا می‌کند

این در حالی است که آیات قرآن این پدیده را شوم، حرام قطعی، جنگ با خدا و رسول و نابود شده، می‌داند دلایل فراوانی بر حرمت ربا وجود دارد که مهم‌ترین آن آیات قرآن و روایات است، در آیات متعددی از قرآن به حرمت ربا و بی‌ارزشی آن اشاره شده است، محتوای آیات گوناگون است که به موارد مهم آن اشارت می‌رود:

۱. نهی صریح از رباخواری

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً» (آل عمران/۱۳۰)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید ربا و سود پول را چند برابر نخورید.»

این آیه با صراحت ربا را نهی و حرام کرده است و مسلمانان باید از این پدیده شوم دوری کنند

۲. بی‌برکتی و نابودی ربا

خداوند می‌فرماید «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا» خداوند ربا را محو و نابود می‌کند؛ ربا موجب کاستی و بی‌برکتی است، نه تنها ارزش معنوی، ثواب اخروی را از بین می‌برد و حیات اقتصادی جامعه را تهدید می‌کند (سید قطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۱۲: ۳۲۲/۱). کاهش و فنا تدریجی، قساوت قلب، بغض و عداوت و سوءظن، انتقام افراد مجتمع از یکدیگر، تفرقه و اختلاف و در نتیجه فساد و زوال و تباهی مال را به همراه دارد (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۶۴۳/۲).

۳. پدیده ربا جنون سرمایه‌داری است:

«الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَتُومُونَ إِلَّا كَمَا يُتُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ» (بقره/۲۷۵):
«کسانی که ربا می‌خورند (در قیامت) بر نمی‌خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان دیوانه شده
(و نمی‌تواند تعادل خود را حفظ کند گاهی زمین می‌خورد گاهی به پا می‌خیزد).»

این آیه تأکیدی بر حرمت ربا و شدت مخالفت با ربا خوار است و با مثالی چهره پلید ربا را معرفی
می‌کند حرمت ربا قبل از آن در آیات سوره آل عمران مطرح شده است و از آنجا که این پدیده در جامعه
همچنان رواج داشته است قرآن تلاش می‌کند تا مردم به هر شکلی از آن دوری کنند. (علامه طباطبایی
می‌فرماید: «خداوند متعال در این آیه و آیات ۲۷۶ تا ۲۷۹ سوره بقره، برخورد شدید و سخت‌گیرانه‌ای
با ربا دارد که در هیچ یک از احکام دیگر چنین تعبیری به کار نبرده است.» (همان: ۴۰۹/۲)؛ و علتش
این است که ربا تنها فرد را تهدید نمی‌کند بلکه تأثیر سوء آن موجب انهدام و نابودی بنیان‌های دینی
می‌شود و نظام زندگی نوع بشر به فساد کشیده می‌شود (همان).

خبط شده یعنی انسانی که نمی‌تواند تعادل خود را حفظ کند مانند کسی که دارای نوعی جنون
است و خوب و بد و سود و ضرر را تشخیص نمی‌دهد امر نیک را به جای شر و گاهی بالعکس متوجه
می‌شود و قدرت تشخیص او از بین رفته است (همان). چنین انسانی که اقتصاد جامعه را به دست
می‌گیرد بزرگ‌ترین آسیب به نظام عادلانه اقتصاد خواهد زد.

در میان ربا خواران مسائلی مانند تعاون، همدردی، عواطف انسانی، نوع دوستی برای آن‌ها
مفهومی ندارد و پرستش ثروت آن چنان چشم عقل آن‌ها را کور کرده است که نمی‌فهمند استثمار
طبقات زیر دست و غارت کردن آنان بذر دشمنی را در دل‌های آن‌ها می‌پاشد (مکارم شیرازی، تفسیر
نمونه، ۱۳۷۱: ۲/۲۷۱).

۴. ربا خواری جنگ با خدا و رسول خدا است:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از مخالفت خدا بپرهیزید و آنچه از مطالبات ربا باقی مانده رها کنید،
اگر ایمان دارید، اگر چنین نمی‌کنید بدانید خدا و رسولش با شما پیکار خواهند کرد» (بقره/۲۷۹).
این آیه نیز ضمن بیان حرمت ربا آن را جنگ با خدا و رسول، و نیز در آیه بعد در ضمن اشاره‌ای آن
را یک عمل ظالمانه تلقی می‌کند.

روایات فراوانی نیز ضمن تحریم ربا آن را به شدت مذمت کرده‌اند:

امام صادق (ع) در روایتی می‌فرماید: «خداوند ربا را حرام کرده است تا مردم از کار نیک امتناع
نورزند» (حر عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ۱۴۰۹: ۱۸/۱۲۰)؛ نیز در روایت

دیگری حضرت می فرماید: ربا خوار از دنیا نمی رود، مگر این که به نوعی جنون مبتلا خواهد شد (حویزی، نور الثقلین، ۱۴۱۵ ق: ۳۹۱/۱).

در روایت دیگر حضرت می فرماید: اگر ربا حلال باشد مردم کسب و تجارت و (تولید) نیازهای خود را ترک می کردند (عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ۱۴۰۹: ۱۲۰/۱۸) و در روایت دیگر می خوانیم: «خداوند ربا را حرام قرار داد چون موجب فساد در اموال مردم می شود» (همان: ۱۲۱)

در حمایت از حقوق شهروندی در تحقق عدالت اقتصادی باید از صنایع، کارخانه‌ها و تولیدکنندگان مرکبات و حبوبات و.. حمایت شوند، از مهم‌ترین... حمایت دولت پرداخت وام قرض الحسنه یا وام بدون بهره یا کم بهره است.

... دولت با دادن وام با بهره زیاد یا به صورت ربا به تولیدکنندگان آسیب جدی به حقوق شهروندان و تولید می زند، تولید کننده برای به دست آوردن اقساط و بدهی‌های ریوی خود ناچار است قیمت تولید خود را افزایش، حقوق کارگران را کمتر یا اجناس خود را از نظر کیفیت پایین آورده و یا تولید خود را تعطیل نماید که به اقشار عموم مردم آسیب می زند در هر صورت بزرگ‌ترین آسیب اقتصادی بر جامعه وارد می شود.

زیان‌های ربا

بنابراین زیان‌های ربا در مسئله تولید و صنایع عبارت است از:

۱. افزایش قیمت تولیدات و اجناس

۲. کم شدن حقوق کارگران

۳. پایین آمدن کیفیت تولیدات و اجناس

۴. کم فروشی

تعطیل کارخانه و تولید.

آثار مخرب اجتماعی ربا

۱. ربا ممکن است در کوتاه مدت سودهای کلان و قابل توجهی نصیب ربا خوار کند اما در برابر

آن عده‌ای را به وادی فقر و نابودی می کشاند و این موجب می شود شکاف طبقاتی و اقتصادی جامعه گسترده‌تر و فعالیت اقتصادی از بین می رود.

۲. یکی از آثار شوم ربا نابودسازی بنیایان های اقتصادی جامعه است، در واقع یکی از مهم‌ترین

عوامل اقتصادی جوامع امروزی ترویج اقتصاد ربوی است، زیرا سرمایه‌دار با انجام ربا و رباخواری ... خود را از چرخه تولید و فعالیت‌های اقتصادی خارج می‌نماید.

۳. افراد بیکارتر می‌شوند، زیرا فعالیت‌های اقتصادی فلج خواهد شد

۴. قدرت خرید کمتر

۵. رکود اقتصادی جامعه و تورم بیشتر

۶. بذر کینه و دشمنی در دل بدهکاران

رشوه

ب) احتکار

از مصادیقی که مانع حقوق اقتصادی شهروندی و آسیب جدی در تحقق عدالت اقتصادی جامعه است موضوع احتکار می‌باشد، اموالی که از راه احتکار به دست می‌آید قطعاً مشروعیت ندارد، منظور از احتکار در اینجا احتکار مواد اولیه و ابزارهای لازم برای تولید و به چرخه در آوردن کارگاه‌ها و کارخانه‌ها و صنایع می‌باشد

این موضوع در تولید می‌تواند جایگاه بسیار مهمی داشته باشد، احتکار مواد اولیه باعث کندی روند تولید و چه بسا تعطیلی صنایع، کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی می‌باشد، و با تعطیلی کارخانه‌ها و صنایع خود به خود اجناس و نیازمندی‌های مردم و جامعه کمیاب خواهد شد و با این شیوه افراد سودجو می‌توانند اجناس مورد نیاز مردم را به قیمت‌های بسیار گران و ناعادلانه به جامعه تزریق کنند و عامل مهمی برای گرانی و بهره‌وری سودجویان اقتصادی است.

احتکار مواد اولیه و موارد ضروری برای تولید، به پیکره و پایه‌های اقتصاد جامعه آسیب جدی وارد می‌کند و با تعطیل یا کند شدن تولید صنایع و کارخانه‌ها یکی از مهمترین عوامل پیشرفت اقتصادی ضربه خورده در نتیجه عدم ثبات قیمت‌ها و افزایش نرخ کالا به دنبال خواهد داشت و مردم را از نظر معیشتی در تنگنا قرار می‌دهد، کشور وابسته و محتاج دیگران خواهد شد.

در قرآن کریم بر حرمت احتکار تصریح نشده است و تنها ممکن است به عموم آیاتی از قرآن استدلال شود، علامه طباطبایی ذیل آیه ۳۴ از سوره توبه به احتکار و کنز پول اشارت نموده و می‌فرماید: احتکار پول مساوی با لغویت ارزش اشیاء و بی‌اثر گذاردن پولی است که احتکار شده و در ادامه آن را منجر به تعطیل کردن بازار و رکود آن می‌داند و با رکود بازار حیات جامعه متوقف می‌شود (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۲۵۱/۹).

برخی از مفسران نیز به عمومیت آیه ۲۹ سوره نساء به مذموم بودن احتکار اشاره نموده و آن را در ردیف غش در معامله می‌دانند (سید قطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۱۲: ۴۰/۵).

در روایات نیز به حرمت احتکار اشاره شده است، از جمله روایتی که امام صادق به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «لا یحتکر الطعام الا خاطی» جز انسان گناهکار کسی طعام مردم را احتکار نمی‌کند (طوسی، استبصار: ۱۱۴/۳) همچنین امام باقر علیه السلام از آن حضرت نقل می‌کند که فرموده‌اند: هر شخصی غذای مردم را تا چهل روز حبس کند و به مسلمانان به قیمت گران بفروشد، بداند، پس از فروش آن را صدقه دهد، کفاره آن نخواهد شد (عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ۱۴۰۹: ۳۱۴/۱۲) و در برخی روایات نیز محتکر ملعون شمرده شده است.

همچنین امام علی علیه السلام به مالک اشتر فرمان می‌دهد از احتکار جلوگیری کند و محتکر را مجازات نماید (ر.ک: شریف رضی، نهج البلاغه، ۱۴۰۴).

آسیب‌های احتکار

- ۱- تعطیل یا کند شدن تولید با تعطیلی کارخانه‌ها، صنایع و کارگاه‌ها
- ۲- کم شدن اجناس و لوازم مورد نیاز مردم اعم از خوراکی‌ها، پوشیدنی‌ها، لوازم ساختمانی و ...
- ۳- گران شدن قیمت اجناس زیاد در صورت کمبود هر جنس، آن جنس ارزش در قیمت پیدا می‌کند.
- ۴- اختلال به اقتصاد جامعه
- ۵- در تنگنا قرار دادن مردم به ویژه قشر مستضعف و اقشار آسیب‌پذیر جامعه
- ۶- وابستگی کشور و آسیب رساندن به مسلمانان

نتیجه

در این پژوهش پس از بررسی مفاهیم دو نوع راهکار برای تحقق عدالت اقتصادی در تولید از منظر قرآن ارائه شد، یکی راهکارهای عام، که مهمترین آن؛ تعاون و مشارکت عمومی، قانون گذاری عادلانه و ضمانت اجرایی است که برای بنیان گذاری در تولید صنایع و کارخانه‌ها بسیار ضروری می‌باشد، دوم راهکارهای خاص، که مهمترین آن؛ کار و اشتغال، با توجه به آیات؛ نحل/۳۹؛ مژمل/۲۰؛ ملک/۱۵، تعدیل و کنترل قیمت‌ها و دست‌مزدها، با توجه به آیات؛ نحل/۹۰؛ هود/۸۴-۸۵؛ اعراف/۸۵، پیش‌گیری از انحصار در تولید؛ با توجه به آیات؛ قصص/۲۰؛ اعراف/۶۰، که به طور معمول افراد وابسته به

حکومت‌ها، اشراف، مترفین و در اصطلاح قرآن گروه ملاً، امتیازات تولید را در انحصار خود قرار می‌دهند و خود مهمترین عامل فاصله طبقاتی خواهد بود، از دیگر راهکارها، جذب و گزینش نیروهای کارآمد و شایسته است، که برخی از ویژگی‌های افراد شایسته در آیاتی مانند؛ یوسف/۵۵؛ قصص/۲۶ آمده است، از دیگر راهکارها، جلوگیری از درآمدهای نامشروع است، که می‌توان به وام‌های ربوی به کارخانه‌ها و تولیدکنندگان و احتکار مواد اولیه و مورد نیاز در تولید اشارت نمود. با نگاهی ژرف به آیات قرآن کریم، عدالت اقتصادی در حقوق شهروندی می‌توان دریافت کرد این نظریات در همه ابعاد و زمینه‌ها از منابع ثروت، تولید، توزیع و مبادلات و نیز مصرف تسری دارد. پیامبر گرامی اسلام حضرت رسول (ص) با بکارگیری این آموزه‌های سراسر نور، جهت برپایی حکومت عدل الهی و مدینه فاضله اقدام نمود و اثبات گردید که در سراسر گیتی و در طول اعصار، بشر می‌تواند به تنها دینی که سعادت دنیوی و اخروی را تأمین نماید، تکیه کند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعه المصطفی، انتشارات بین‌المللی المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. ابن حیون، قاضی نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، قم، ۱۳۸۳ ق، ۱۹۶۳ م.
۳. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، در آمدی بر اقتصاد اسلامی، تهران، سمت، ۱۳۷۲ ش.
۴. تفضلی، فریدون، تاریخ عقاید اقتصادی، نشر نی، تهران، دوم، ۱۳۷۵ لش.
۵. تورات، ترجمه ولیم گلن قصبیص اکستی، ۱۸۷۸ م.
۶. توسلی، محمد اسماعیل، تحلیل ماهیت پول و بنیان‌های اعمال سیاست پولی در اقتصاد اسلامی، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران، ۱۳۹۴ ش.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، تهران، اول، ۱۳۴۶ و ۱۳۶۷ ش.
۸. حر عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، انتشارات آل‌البیت، قم، ۱۴۰۹ ق.
۹. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران پست ۱۳۷۷ ش.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات فی غریب القرآن، دارالمعرفه، بیروت، ۲۰۰۶ م.
۱۱. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، بیروت، دارالکتب العربی، ط سوم، ۱۴۰۷ ق.
۱۲. ژوزف، لاژوژی، نظام‌های اقتصادی، ترجمه شجاع‌الدین ضیائیان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، اول، ۱۳۵۵ ش.
۱۳. ساموئل سن، پل، اقتصاد، ترجمه پیرنیا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۳ ش.
۱۴. سید قطب، ابراهیم شاذلی، فی ظلال القرآن، دار الشروق، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۱۵. شریف رضی، نهج البلاغه صبحی صالح، مؤسسه دار الهجره، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۱۶. صدر، محمد باقر، نهادهای اقتصاد اسلامی، ترجمه بیات شوشتری، انتشارات پرتو، قم، اول، ۱۳۷۹ ش.
۱۷. —، من لایحضره الفقیه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۳ ق.
۱۸. —، عیون اخبار الرضا، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ ق.
۱۹. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الاعلمی المطبوعات، بیروت

ق ۱۴۱۷

۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۲۱. طوسی، محمد حسن، المبسوط، تصحیح و تعلیق: محمد باقر بهبودی، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، تهران، ۱۳۵۱ ش.
۲۲. العاملي، شهيد ثانی، زين الدين، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، مجمع الفكر الاسلامي، قم، ط ۵، ۱۴۲۹ ق.
۲۳. العاملي، محمد بن جمال الدين مكي (شهيد اول)، دارالفكر، قم، ۱۴۱۱ ق.
۲۴. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، نورالثقلین، اسماعیلیان، قم ۱۴۱۵ ق
۲۵. علامه حلی، حسن بن یوسف مطهر، مختلف الشیعه، دفتر انتشارات اسلامی (جامعه مدرسین)، قم، دوم، ۱۴۱۳ ق.
۲۶. فخر الدین رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ق
۲۷. فخر المحققین، محمد بن الحسن بن یوسف بن مطهر الحلّی، ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد، چاپ خانه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۸۷ ق
۲۸. فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش.
۲۹. قدیری اصلی، باقر، سیر اندیشه اقتصادی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، نهم، ۱۳۷۶ ش.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب العلمیه، تهران ۱۳۶۵ ش.
۳۱. کوزنتس، سایمون، رشد نوین اقتصادی، ترجمه مرتضی قره باغیان، موسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، اول، ۱۳۷۲ ش.
۳۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مرکز نشر آثار علامه المصطفوی، قم، ۱۳۸۹ ش
۳۳. مطهری، مرتضی، نظری به نظام اقتصادی اسلام، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۶۸.
۳۴. —، مجموعه آثار، ج ۲۰، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۶ ش
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ ۲۴، ۱۳۷۱ ش.
۳۶. موسوی، صادق؛ عموقلی میرآذری، نرگس، بررسی حقوق شهروندی در اسلام با رویکردی بر نظرات امام خمینی، نامه الهیات، زمستان، ۱۳۸۹ شماره ۱۳.

۳۷. میرمعزی، سید حسین، نظام اقتصادی اسلام، موسسه فرهنگی دانش اندیشه معاصر، تهران، ۱۳۸۰ ش
۳۸. نمازی، حسین، نظام‌های اقتصادی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، اول، ۱۳۷۴ ش.
۳۹. هادوی نیا، علی اصغر، فلسفه اقتصاد، در پرتو جهان بینی قرآن کریم، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، اول، ۱۳۷۸ ش.

References

۱. The Holy Quran, Translated by Muhammad Ali Rezaei Isfahani and a Group of Professors of Al-Mustafa University, Al-Mustafa International Publications, Qom: ۲nd Edition, ۲۰۰۹.
۲. Al-Amili, Muhammad bin Jamal al-Din Makki (Al-Shahid al-Awwal), Dar al-Fikr, Qom, ۱۴۱۱ AH.
۳. Al-Amili, Shahid Thani, Zayn al-Din, Al-Rawdhah al-Bahiyah fi Sharh al-Luma'h al-Dimishqiyyah, Islamic Thought Association, Qom, ۲th Edition, ۱۴۲۹ AH.
۴. Allama Hilli, Hassan bin Yusuf Motahhar, Mukhtalaf al-Shiah, Islamic Publications Office (Jamiah Mudarrisin), Qom, ۲nd Edition, ۱۴۱۳ AH.
۵. Arousi Haveizi, Abdul Ali bin Juma'h, Noor al-Thaqalayn, Ismailian, Qom ۱۴۱۵ AH.
۶. Fakhr al-Muhaqqiqin, Muhammad bin al-Hassan bin Yusuf bin Motahhar al-Hilli, Idhah al-Fawaid fi Sharh Ishkalat al-Qawaid, Qom Ilmiyyah Press, ۱st Edition, ۱۳۸۷ AH
۷. Fakhruddin Razi, Muhammad bin Umar, Mafatih al-Ghayb, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut, ۱۴۲۰ AH.
۸. Fayz, Alireza, Comparison and Application in General Islamic Criminal Law, Ministry of Culture and Islamic Guidance Publications, Tehran, ۱st Edition, ۱۹۸۵.
۹. Hadavi Nia, Ali Asghar, Philosophy of Economics, in the Light of the Worldview of the Holy Quran, Tehran, Publishing Organization of the Institute of Islamic Culture and Thought, ۱st Edition, ۱۹۹۹.
۱۰. Hurr Amili, Wasail al-Shiah ila Tahsil Masail al-Shariah, Alul Bayt Publications, Qom, ۱۴۰۹ AH
۱۱. Ibn Hayyun, Qazi Nu'man bin Muhammad, Da'aim al-Islam, Al-Bayt Foundation for the Revival of Heritage, Qom, ۱۳۸۳ AH, ۱۹۶۳ AD.
۱۲. Jafari Langroudi, Muhammad Jafar, An Extensive Discussion in Legal Terminology, Ganj-e-Danesh, Tehran, ۱st Edition, ۱۹۶۷ and ۱۹۸۸.

۱۳. Joseph, Lajugie, Economic Systems, Translated by Shojauddin Ziaecian, University of Tehran Press, Tehran, ۱st Edition, ۱۹۷۶.
۱۴. Kulayni, Muhammad bin Ya'qub, Al-Kafi, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Tehran, ۱۹۸۶.
۱۵. Kuznets, Simon, New Economic Growth, Translated by Murtaza Qarabaghian, Rasa Cultural Services Institute, Tehran, ۱st Edition, ۱۹۹۳.
۱۶. Makarem Shirazi, Naser et al., Tafsir Nemooneh (The Ideal Exegesis), Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran, ۲۴th Edition, ۱۹۹۲.
۱۷. Mir Moizzi, Seyyed Hossein, Islamic Economic System, Cultural Institute of Contemporary Thought, Tehran, ۲۰۰۱
۱۸. Motahhari, Morteza, A Theory of the Islamic Economic System, Sadra Publications, Tehran, ۱۹۸۹.
۱۹. Motahhari, Morteza, Collection of Works, Vol. ۲۰, Sadra Publications, Tehran, ۲۰۰۷.
۲۰. Mousavi, Sadiq; Amuqli Mirazari, Narges, A Study of Citizenship Rights in Islam with an Approach to Imam Khomeini's Opinions, Namayeh Ilahiyyah, Winter, ۲۰۱۰, No. ۱۳.
۲۱. Mustafavi Hassan, Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim (A Research in Quranic Words), Allamah Mustafavi's Works Publishing Center, ۲۰۱۰.
۲۲. Namazi, Hossein, Economic Systems, Shahid Beheshti University, Tehran, ۱st Edition, ۱۹۹۵.
۲۳. Office of Cooperation Hawzeh / Seminary and the University, Fundamentals of Islamic Economics, Tehran, ۱۹۹۸
۲۴. Qadiri Asli, Baqir, The Course of Economic Thought, University of Tehran Press, Tehran, ۹th Edition, ۱۹۹۷.
۲۵. Raghib Isfahani Hossein bin Muhammad, Mufradat fi Gharib al-Quran (Vocabulary in the Unpopular Words in Quran), Dar al-Ma'rifah, Beirut, ۲۰۰۶.
۲۶. Research Intitute of Hawzeh / Seminary and University, Introduction to Islamic Economics, SAMT, Tehran, ۱۹۹۳

۲۷. Sadr, Muhammad Baqir, Institutions of Islamic Economics, Translated by Bayat Shoushtari, Parto Publications, Qom, ۱st Edition, ۲۰۰۰.
۲۸. Saduq, Muhammad bin Ali Babawayh, Man la Yahduruhu al-Faqih (For those Who are Unable to Attend a Jurisprudent), Muassasah al-Nashr al-Islami, Qom: ۱۴۱۳ AH.
۲۹. Saduq, Muhammad bin Ali Babawayh, Uyun Akhbar al-Reza, Nashr Jahan, Tehran, ۱۳۷۸ AH.
۳۰. Samuel Saint, Paul, Economics, Translated by Pirnia, Book Translation and Publishing Company, Tehran, ۱۹۶۴.
۳۱. Seyyed Qutb, Ibrahim Shazli, Fi Zalal al-Quran (On the Shade of Quran), Dar al-Shorouk, Beirut, ۱۴۱۲ AH.
۳۲. Sharif Razi, Nahj al-Balaghah, Subhi Salih, Al-Hijrah Institute, Qom, ۱st Edition, ۱۴۰۴ AH.
۳۳. Tabarsi, Fadhl bin Hassan, Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran (The Confluence of Expressions in Quranic Exegesis), Tehran, Naser Khosrow, ۱۹۹۳.
۳۴. Tabatabai Muhammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Al-A'lami Press Institute Beirut ۱۴۱۷ AH
۳۵. Taffazuli, Faridoun, History of Economic Beliefs, Ney Publishing, Tehran, ۲nd Edition, ۱۹۹۶.
۳۶. Tavassoli, Muhammad Ismail, An Analysis of the Nature of Money and the Foundations of Monetary Policy in Islamic Economics, Research Intitute of Hawzeh / Seminary and University Publications, Tehran, ۲۰۱۵.
۳۷. Tawrah (Old Testament), Translated by William Glenn, Qissis Ecstasy, ۱۸۷۸.
۳۸. Tusi, Muhammad Hassan, Al-Mabsut, Edited and Noted by Muhammad Baqir Behboodi, Al-Muktabah al-Murtadhawiyah Library for the Revival of Shia Imamia Books, Tehran, ۱۹۷۲.
۳۹. Zamakhshari, Mahmoud, Al-Kashshaf an Haqaiq al-Ta'wil wa Uyun al-Aqawil fi Wujuh al-Ta'wil (Discovering the Realities of the Ambiguity of the Revelation and the Origins of the Narrations Concerning Aspects of Hermeneutics), Beirut, Dar al-Kutub al-Arabi, ۳rd Edition, ۱۴۰۷ AH.